

دراسة فقهية لاعتبار "النظر بمنزلة الحرز" من منظور أهل السنة والشيعية مع التركيز على كاميرات المراقبة

محسن مالك افضلي اردكاني^١

محمد رضا افتخار أربابي^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/٠٨/١٥؛ تاريخ القبول: ١٤٠٣/٠٣/١٥ هـ ش]

الملخص

وفي بعض النصوص الفقهية يجوز القول بأن صاحب المال طلسم؛ ولكن ما هي أمثلة النظرة وما هي صفتها؟ هناك اختلافات. لقد أدى تطور التكنولوجيا اليوم إلى ظهور أدوات جديدة للتحكم ومراقبة الأشياء والأماكن، ومن بين هذه الأدوات الكاميرات الرقمية وكاميرات المراقبة. يهدف هذا البحث الذي يعتمد على المنهج الوصفي التحليلي وجمع البيانات المكتبية إلى دراسة فقه النظر كتنويدة من وجهة نظر الشيعة والسنة مع التركيز على كاميرات المراقبة. السؤال الأساسي هو ما إذا كان يمكن اعتبار هذه الأمثلة الناشئة حديثاً أيضاً من وجهة نظر مالك العقار وما إذا كانت سرقة الممتلكات في هذه الحالة يمكن اعتبارها سرقة أم لا. وتبين من نتائج البحث أن تركيب التميمة على أجهزة المراقبة الإلكترونية الحديثة جائز، وأن سرقة الأموال من أمام هذه الكاميرات إذا توفرت الشروط الأخرى يعد سرقة ويوجب إقامة حد السرقة.

الكلمات المفتاحية: سرقة، تميمة، رأي، كاميرا مراقبة

١. أستاذ، قسم الفقه والقانون، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران، mohsenmalekafzali@yahoo.com

٢. طالب دكتوراه في القانون الجنائي وعلم الإجرام، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران (المؤلف المراسل) mreftkhar181@gmail.com

بررسی فقهی نظر به منزله حرز از منظر اهل سنت و شیعه با تأکید بر دوربین های مدار بسته

محسن ملک افضلی اردکانی^۱

محمد رضا افتخار اریابی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵]

چکیده

در برخی متون فقهی، نگاه صاحب مال به عنوان حرز پذیرفته شده است؛ اما در اینکه مصادیق نگاه چیست و کیفیت آن چگونه است، اختلافاتی مشاهده می شود. امروزه توسعه تکنولوژی موجب پدیداری ابزارهای نوین کنترل و مراقبت اشیاء و اماکن شده است و دوربین های مدار بسته و دیجیتال از این دسته اند. این پژوهش که روش آن توصیفی-تحلیلی و جمع آوری داده ها از نوع کتابخانه ای است، با هدف بررسی فقهی نظر به منزله حرز از منظر شیعه و اهل سنت با تأکید بر دوربین های مدار بسته به رشته تحریر در آمده است. سؤال اساسی این است که آیا می توان این مصادیق نوپدید را نیز به عنوان نگاه صاحب مال تلقی کرده و ربایش مال در این حالت را سرقت دانست یا خیر. یافته های تحقیق نشان می دهد که اطلاق حرز بر ابزارهای جدید نظارت الکترونیک روا بوده و ربایش مال از مقابل این دوربین ها با تحقق سایر شرایط، سرقت محسوب شده و موجب اجرای حد سرقت می شود.

کلیدواژه: سرقت، حرز، نظر، دوربین مدار بسته

۱. استاد گروه فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران، mohsenmalekafzali@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) mreftekhar1981@gmail.com

مقدمه

یکی از شرایط تحقق حد سرقت، محرز بودن مسروق است که در صورت پذیرفته شدن نظارت مالک بر مال خویش به عنوان حرز از یک سو و از سوی دیگر با الغای خصوصیت توسعه در موضوع نگاه که شامل نظارت با دوربین مدار بسته نیز شود و با تحقق سایر شرایط، حد سرقت جاری می‌شود. از دیرباز در حرزیت نظارت، بین فقها اختلاف نظر وجود داشته است؛ هر چند فی الجمله حرزیت نگاه را در بعضی موارد پذیرفته‌اند. پیشینیان فقهای شیعه (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۵؛ ابن جنید، ۱۴۱۶: ص ۳۴۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۵۳۷؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۵۲۷؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۳۷۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۴۸۳ و ۴۵۴؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۴۳۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ص ۴۹۷؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۹۸؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۳۵۸ و ۳۶۱) و متأخرین از فقها (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ج ۱۶، ص ۱۰۳؛ صاحب جواهر، بی تا: ج ۴۱، ص ۴۹۹؛ امام خمینی، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۵۱۹؛ گلپایگانی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۲۰؛ مرعشی نجفی، ۱۳۸۲: ص ۱۵۱؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۲۲۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۱۰۴؛ مرتضوی، ۱۳۹۹) در مباحث خود به طور گسترده به آن پرداخته‌اند. شیخ طوسی قائل به حرزیت نگاه فی الجمله است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۵) و لکن ابن ادریس و شهید ثانی قائل به عدم حرزیت نگاه شده‌اند که در این اختلاف آیت الله گلپایگانی جانب شیخ طوسی را گرفته است (گلپایگانی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۲۲)، ابوحنیفه (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ج ۹، ص ۱۱۲)، شافعی (همان)، ابن قدامه (همان)، بیهقی (بیهقی، ۱۴۲۴: ج ۸، ص ۴۶۳) و سرخسی (سرخسی، بی تا: ج ۹، ص ۱۵۰) و برخی دیگر از فقهای اهل سنت نیز به این موضوع پرداخته‌اند.

پیشینه تحقیق

پژوهشگران حقوقی نیز در این زمینه دو مقاله را به عنوان «حرز بودن نظارت مالک در تحقق مفهوم سرقت» (ایزدی فرد، ۱۳۹۵) و «تأمل فقهی در حرزیت مکان‌های مجهز به دوربین مداربسته» (چوپانی مرسی و همکاران، ۱۳۹۶) نگاشته‌اند. دو مقاله مذکور به طور اجمالی و فقط از منظر مذهب تشیع به این مسئله پرداخته‌اند؛ لکن با توجه به عرفی بودن مفهوم حرز و توسعه در مفهوم نگاه و پیدایش آلات مستحدثه مانند نظارت با دوربین مداربسته از یک سو و نبود تحقیقی جامع در مورد حرزیت دوربین مداربسته و آلات مذکور از منظر فریقین از سوی دیگر و استفاده روزافزون از آلات برای حفاظت از اموال، پژوهش در این زمینه را ضروری می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی فقهی نگاه به منزله حرز از منظر اهل سنت و شیعه با تأکید بر آلات نظارتی مستحدثه مانند دوربین‌های مداربسته است. سؤال اساسی این است که آیا از نظر فریقین، حرزیت نظارت پذیرفته شده است و در صورت پذیرش آیا با الغای خصوصیت، قابل توسعه به نظارت با دوربین مداربسته و سایر آلات مستحدثه، نظارتی خواهد بود یا خیر. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای است که با رجوع به کتابخانه‌های اینترنتی و سایت مدرسه فقاہت و استفاده از نرم‌افزارهای جامع کتب اهل شیعه و سنی با بررسی نظرات فقهای فریقین در هر قرن این پژوهش انجام شده است.

مفهوم‌شناسی

سرقت

از نظر عرب کسی که به صورت پنهانی اموال محرز دیگری را اخذ کند، سارق و این عمل سرقت شمرده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ج ۱، ص ۱۵۶؛ واسطی زبیدی، ۱۳۹۴، ج ۱۳، ص ۲۱۳). در لغت نیز به معنای برداشتن پنهانی مال غیر سرقت است (معلوف، لوپس،

المجند، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۶۸) که در شرع مشروط به مکان مخصوص و مقدار مخصوص تعریف شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۰۸). متقدمین از فقها سرقت را به معنای گرفتن و بردن چیزی به صورت مخفیانه تعریف کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۲). برخی دیگر نیز سرقت را دزدیدن مخفیانه تعریف کرده‌اند (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۴۸۳). از سوی دیگر فقهای معاصر با توجه به تعریف لغوی، هتک حرز را شرط در تحقق سرقت می‌دانند (مرتضوی، ۱۳۹۹).

برخی از فقهای اهل سنت نیز سرقت لغوی را برداشتن مخفیانه مال غیر، تعریف کرده‌اند که با تعاریف سرقت از نظر شیعه موافق است. از نظر این فقیه سرقت به دو دسته کبیر و صغیر تقسیم می‌شود؛ راهزنی را سرقت کبیر و سرقت مخفیانه را سرقت صغیر معرفی کرده است (شمس‌الائمه سرخسی، بی تا: ج ۹، ص ۱۳۳).

در فقه حنفی ربایش مخفیانه مال محرز غیر را که به حد نصاب شرعی رسیده، توسط انسان عاقل و بالغ سرقت بر شمرده‌اند (بلخی، ۱۳۱۰: ج ۲، ص ۱۷۰). در فقه شافعی برداشتن مال غیر به صورت مخفیانه از حرز با قصد سرقت، سرقت شرعی تعریف شده است (بلقینی شافعی، ۱۴۳۳: ج ۴، ص ۱۷۹). در فقه مالکی نیز برداشتن مال غیر از حرز به شرط اینکه به نصاب برسد، سرقت می‌گویند (ابن عسکر، بی تا: ص ۱۱۶). در فقه حنبلی سرقت را مشروط به محرز بودن و حد نصاب و عدم وجود شبهه بیان کرده‌اند (الکلوذانی، ۱۴۲۵: ص ۵۳۵).

حرز در لغت

حرز در لغت به معنای موضع حصین و محافظت‌کننده (طریحی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۱۵) آمده است و البته گاهی بدون توجه به حصنیت مکان، حرز را موضع خفی دانسته‌اند (شرتونی، سعید، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۶۵۹). در شرطیت حرز برای تحقق سرقت به جز ابن ابی عقیل عمانی ادعای اتفاق نظر شده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۱۰۴).

حز در اصطلاح

از آن جهت که محدودهٔ حرز در آیات و روایات مشخص نشده، پس حقیقت شرعیه نیست و برای تشخیص آن باید به عرف رجوع کرد (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ص ۴۹۴)؛ از این رو فقهای متقدم، ملاک در تشخیص حرز را عرف دانسته‌اند و در جایی دیگر نقل شده است که اگر مالی در جایی قرار دهند و عرف نگوید که شخص مال خود را در معرض نابودی و ضایع شدن قرار داده، آن موضع حرز محسوب می‌شود. در کتاب خلاف، مراعی به عین را صراحتاً از مصادیق محرز دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۴). برخی فقها نیز حرز را مکانی تعریف کرده که برای غیرمتصرف اذن به دخول داده نشده باشد (ابن براج، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۵۳۷). در مسالک نیز شرطیت حرز پذیرفته شده؛ ولی محدوده آن را به عرف احاله کرده است (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ص ۴۹۴).

علامه حلی با نقل و پذیرفتن نظر ابن ادریس در واحد بودن ملاک حرز برای همه چیز و همه جا، مخالفت خود را با نظر شیخ طوسی که ملاک را نظر عرف قرار داده، بیان کرده است؛ این در حالی است که ابن ادریس حرز را منحصر در غلق، دفن و قفل کردن می‌داند (علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۳۵۸).

حرز در اصطلاح فقهای معاصر به چهار دسته تقسیم شده است: ۱- موضعی که غیرمالک بدون اذن نتواند داخل شود. ۲- موضعی که سارق برای سرقت احساس خطر کند. ۳- ملاک، نظر عرف باشد. ۴- حرز را به بستن و قفل کردن و دفن کردن محدود شود (گلپایگانی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۲۴). بعضی نیز با تکیه بر عرف، حرز را موضعی دانسته که مقفل یا دارای در و امثال آن بوده و برای سرقت از آن نیاز به شکستن و نقب زدن و... باشد؛ اما ایشان مراقبت و نظارت را حرز نمی‌داند (خمینی، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۵۱۹). برخی از فقهای اهل سنت در بیان حرز با نقل و استناد به کلام شافعی حرز را حقیقت عرفیه دانسته و آن را به عرف احاله کرده‌اند (بیهقی، ۱۴۲۴: ج ۸، ص ۴۶۳).

نظر در لغت و اصطلاح

در فرهنگ لغت، «نظر» به معانی مختلفی مانند: تفکر، انتظار کشیدن و دادرسی آمده است. به «دیده، نگاه و التفات» نیز معنا شده است. در جایی دیگر ادراک حسی عالم خارج به وسیله چشم را نظر تعریف کرده اند (معلوف، ۲۰۰۰ م: ص ۱۴۲۳). «نَظَرُ إِلَیْهِ» یعنی «به او نگاه کرد» و جایی که می گویند فلان، تحت نظر فلان یعنی در سایه حمایت و مراقبت و لطفِ فلان است (بستانی، ۱۳۷۵: ص ۹۲). نظر در اصطلاح نیز در همان معنای لغوی به کار برده می شود.

دوربین مدار بسته (وسایل نظارتی جدید)

دوربین های مدار بسته دارای انواع مختلفی مانند تحت شبکه، آنالوگ و دیجیتال هستند که بر اساس نوع انتقال تصاویر به باسیم و بی سیم تقسیم می شوند و به طور معمول برای نظارت بر اماکن داخلی و خارجی استفاده می شوند. مخترع این وسیله والتر بروش آلمانی بود و برای اولین بار در اماکن عمومی آمریکا در سال ۱۹۱۳ رونمایی شد؛ البته این نظارت های دوربینی می تواند از طریق ماهواره، کوادکوپتر، پهپاد و... انجام شود.

تحلیل اقوال

۱-۱. تحلیل اقوال شیعه

برای تحقق موضوع سرقت و ثبوت حد آن بین فقهای شیعی به جز مرحوم ابن ابی عقیل عمانی، اتفاق نظر بر محرز بودن مسروق وجود دارد (لنکرانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۱۰۴). شیخ طوسی بر اساس مبنای عرفی خود از تعریفِ حرز می فرماید در صورت باز بودن درِ منزل، وسایل داخل آن محرز نیست؛ مگر آن مقدار که در مقابل دیدگان مالک و صاحب بیت و مراعی به بصر است؛ مانند آنجا که مغازه دار اجناس خود را در مقابل دیدگانش بر پیشخوان مغازه قرار داده است. ایشان خباز و بزاز را مثال زده و فرموده است تا زمانی که

پارچه و نان و ترازو مراعی به بصر آنهاست، محرز محسوب می شوند و اگر فراموشی یا غفلت یا خواب بر آنها عارض شود، حرز نیز زائل شده است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۴). برخی فقهای دیگر نیز حرزیت نظارت را در منازل و جاری مجرای منازل پذیرفته اند (ابن براج، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۵۳۷). شیخ طوسی در جایی دیگر می فرماید گاو، گوسفند، اسب، الاغ و قاطر اگر در منزل مفتوح الباب باشند، آنها نیز با دیدگان مالک بیت، محرز محسوب می شوند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۳).

شیخ طوسی سپس با تقسیم بندی شتر به راعیه و بارکه و مقطره، حرز راعیه - شتری که در بیابان مشغول چراست - را بر اساس مبنای عرفی خود، نظارت مالک مشروط به تداوم عرفی نگاه و نبودن مانعی در نگاه، مانند پستی و بلندی، نخوابیدن یا روی برنگرداندن می داند. شتر بارکه - شتری که زانو زده و بسته شده - نیز در صورتی که در مقابل دیدگان مالک باشد، محرز است. از نظر ایشان حرز مقطره - شترهایی که به صورت قطار به هم بسته شده اند - نیز نگاه است. شیخ طوسی در مورد گوسفند، اسب، قاطر، الاغ و گاو نیز فی الجمله همین نظر را دارد (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۳). نکته قابل توجه این است که شیخ طوسی با تعمیم در مصادیق، علاوه بر شتر، گاو، گوسفند، اسب، قاطر و الاغ، ترازوی در معرض دید نانوای پارچه های مقابل بزاز در بازار را با حرزیت نگاه پذیرفته است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۴). شیخ طوسی می فرماید: «اگر حرزیت شیء لشیء محرز شد، حرزیت آن برای تمام اشیاء نیز ثابت است. لازمه این کلام پذیرفتن حرزیت نظارت در تمام اموال است» (طوسی، ۱۴۲۴: ج ۳، ص ۲۹۲). شهید ثانی در مسالک و صاحب جواهر حرزیت نگاه را نمی پذیرد با این اشکال که تا زمانی که نگاه یعنی حرز هست، سرقت پنهانی نیست و زمانی هم که نگاه نباشد و سرقت پنهانی باشد، دیگر حرز نگاه نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ص ۴۹۷). این اشکال را آیت الله گلپایگانی از ایشان نقل کرده و در جواب،

قضاوت عرفی را ملاک قرار داده و می‌فرماید حق با شیخ طوسی است؛ چراکه عرف، نگاه نکردن لحظه‌ای را مانع حرزیت نمی‌داند؛ به عبارت دیگر دوام عرفی مد نظر است، نه دوام عقلی و فلسفی (گلپایگانی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۲۲).

از نظر برخی فقها شرط تحقق سرقت، محرز به قفل، دفن و... است و گاهی با تردید قول به حرزیت نگاه را نقل می‌کنند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ص ۱۶۲)؛ اما ابن فهد حلی با بیان قول شیخ طوسی و عدم اشکال بر آن نظارت را حرز می‌داند (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۹۸). ابن ادریس نیز با توجه به ملاک ایشان در تعریف حرز که در قفل، بستن و دفن منحصر کرده، نگاه را حرز نمی‌داند (علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۳۵۸). فاضل مقداد حرزیت نگاه را در جایی که غنم در چراگاه را محرز معرفی کرده، فی الجمله پذیرفته است (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۳۷۸). برخی از فقهای شیعه با استناد به این مطلب که سرقت کالای به همراه خطر، از آن جهت که عرف آن را در معرض تلف نمی‌داند، حرزیت نگاه علی‌الدوام عرفی را پذیرفته‌اند و در معابر و بازارها و سایر اماکن عمومی در صورت نظارت و التفات مالک، اموالش را محرز می‌دانند به بیان دیگر، وقتی سرقت یک مال باریسک و تهدید بالایی برای سارق همراه باشد، این خود نشان‌دهنده آن است که در عرف، آن مال تحت نوعی حفاظت و نظارت قرار دارد. به همین دلیل، برخی فقها معتقدند که در چنین شرایطی، اموال مذکور از نظر فقهی در حکم اموال «محرز» قرار می‌گیرند، حتی اگر در یک مکان کاملاً محصور نباشند. این دیدگاه تأکید دارد که امنیت عرفی یک مال صرفاً به مکان نگهداری آن محدود نمی‌شود، بلکه میزان دشواری و خطرپذیری سرقت آن نیز می‌تواند دلیلی بر محرز بودن آن مال باشد و این امر در نگاه علی‌الدوام محقق است. (فیض کاشانی، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۷۶۷). از سوی دیگر برخی فقهای معاصر، با استناد به اینکه نگاه و نظارت، نوعی حراست و مراقبت است، از نظر ایشان، نگاه حرز محسوب می‌شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۲۲۹). آیت‌الله

مرعشی نجفی برخلاف نظر امام خمینی فی الجمله حرزیت نظر را در ماشیه هنگام چرا، مانند نگاه فروشنده به اجناسش در بازار و مغازه، پذیرفته است و صاحب ریاض را هم رأی خویش می‌شمارد (مرعشی نجفی، (۱۳۸۲) ۱۳۸۹: ص ۱۵۱). برخی دیگر از فقهای معاصر با استناد به عرفی بودن مفهوم حرز؛ نظارت، نگاه و نگاهبان را حرز دانسته‌اند (مرتضوی، ۱۳۹۹). در مقابل، برخی فقهای دیگر با استناد به همین دلیل عرف؛ نظارت، مراقبت و محافظت را حرز ندانسته؛ ولی باز می‌فرمایند اگر جایی عرفاً حرز صادق باشد، موضوع سرقت با انضمام سایر شرایط محقق می‌گردد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۱۲۲).

۲-۱ تحلیل نظر فقهای اهل سنت

ابن قدامه نیز با تقسیم بندی شتران به بارکه و راعیه و سائره، فی الجمله حرزیت نگاه را بر مبنای عرف پذیرفته است. ایشان در بارکه علاوه بر بستن زانوی شتر، محافظ را هم شرط دانسته؛ اما اگر شتر بارکه بسته نباشد، حرز آن را نگاه می‌داند؛ ولی در راعیه صرف نگاه را حرز می‌داند؛ چراکه عرف چوپانان، حرزیت شتران راعیه را چنین می‌داند. او ملاک نگاه را همانند شیخ طوسی، تداوم می‌داند و مانع حرزیت نگاه را خواب و غفلت و عدم دیدن با سایر موانع معرفی کرده است. همچنین او در شتر سائره فرقی بین مقطره و غیرمقطره نگذاشته است؛ بلکه اگر سائق باشد، ملاک حرزیت نظر، دوام نگاه و التفات است و اگر قائد باشد، التفات کثیر، ملاک است؛ به نحوی که اگر التفات کند، شتران را ببیند (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ج ۹، ص ۱۱۲). برخی از فقهای معاصر نیز به این نظر ابن قدامه توجه کرده و پذیرفته‌اند (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۲۳۱)؛ این در حالی است که ابن قدامه خود را هم نظر با شافعی دانسته؛ ولی نظر ابوحنیفه در شتر سائره‌ای که قائد دارد، فقط منحصر در زمانی است که زمام آن به دست قائد باشد (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ج ۹، ص ۱۱۲).

به نقل شیخ طوسی ابوحنیفه ملاک حرزیت عرفی را می‌پذیرد و این در حالی است که از نظر ایشان برخلاف مشهور، لازمه پذیرش حرزیت شیء لشیء، حرزیت برای سایر اشیاء است (طوسی، ۱۴۲۴: ج ۳، ص ۲۹۲). برخی فقهای اهل سنت حرزیت محافظ را در جایی که محرز به مکان است، نمی‌پذیرند؛ مثلاً در جایی که مالک، اذن ورود به مکانی را داده است؛ هر چند مالک ناظر به اموالش باشد، محرز ندانسته‌اند و در صورت سرقت، قطع نمی‌شود (سرخسی، بی‌تا: ج ۹، ص ۱۵۰)؛ اما از آنجا که ماشیه در صحرا را محرز به مکان نمی‌دانند، حرزیت نگاه و محافظ را می‌پذیرند؛ به عبارت دیگر ایشان در جایی حرزیت نگاه را می‌پذیرند که مکانی برای حرزیت نباشد (سرخسی، بی‌تا: ج ۹، ص ۱۵۱).

ابوحنیفه، از بزرگان اهل سنت، حرزیت شیء لشیء را حرز برای همه اشیاء می‌داند؛ اما شافعی با بیان چند مثال حرز هر چیزی را متناسب با آن بیان می‌کند و تلویحاً عدم تضییع مال را علت این تناسب بیان کرده است. از سوی دیگر ابوحنیفه شتران مقطره را اگر دارای سائق باشند، محرز دانسته و اگر به همراه شتران مقطره، قائد باشد فقط آن شتری که افسارش در دست قائد است، محرز است؛ اما شافعی با دو شرط التفات کثیر به شتران و اینکه هر زمان نگاه و التفات کند همه شتران دیده شوند، آنها را محرز می‌داند (قمی، ۱۳۷۹، ص ۵۹۶).

نقد و بررسی ادله ورد نظرات قبلی

صاحب جواهر بر شرطیت حرز در تحقق موضوع حد سرقت، ادعای اجماع کرده است (صاحب جواهر، بی‌تا: ج ۴۱، ص ۴۹۹). روحانی نیز ادعای اجماع بر شرطیت حرز را از صاحب ریاض و غنیه و صاحب جواهر نقل کرده و از آن جهت که تحدید شرعی برای حرز نیافته آن را به عرف احاله داده است (روحانی، ۱۴۳۵: ج ۳۹، ص ۲۵۴). از آنجا

که ملاک در حرزیت از دیدگاه شیخ طوسی عرف است، با استناد به عرف، حرزیتِ نظر را پذیرفته است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۲). استدلال دیگر شیخ طوسی در حرزیت نظر، «هكذا يحرزون أموالهم عند الراعي» است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۳)؛ یعنی چوپان و شتربان با نظر، اموالشان را محرز می‌کنند یا معمولاً مردم اموالشان را این چنین حفظ می‌کنند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۴). از دیگر ادله شیخ طوسی در حرز این است که مردم نگویند فلانی مالش را در معرض تلف و نابودی قرار داده است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۴)؛ بنابراین هر جا این اشکال عقلایی عرفی بر حرز وارد نشود، حرزیت پذیرفته می‌شود.

از نظر ابن براج حرز، هر موضعی است که غیرمالک فقط با اجازه مالک حق ورود دارد. ایشان نیز در حرزیت نگاه، مراعی به بصر مالک را محرز دانسته؛ یعنی اگر مهمان یا مشتری وارد منزل یا مغازه‌ای شود که مالک اجازه داده باشد و در منزل یا مغازه مفتوح باشد؛ در صورتی که در مرعی و منظر مالک باشد، محرز محسوب می‌شود (ابن براج، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۵۳۷).

شهیدثانی و صاحب جواهر بر حرزیت نگاه اشکال وارد کرده‌اند تا زمانی که نگاه هست، سرقت محقق نمی‌شود؛ چون برداشتن سرّی نیست؛ بلکه مستلب غاصب می‌شود و زمانی که غفلت در نگاه باشد، هتک حرزی نیست و در هر صورت موضوع سرقت محقق نمی‌شود تا حد اجرا شود (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ص ۴۹۷). شهیدثانی در مسالک اگرچه در ابتدا حرزیت نگاه را نمی‌پذیرد؛ ولی با استناد به تفسیر حرز به معنای آنچه سبب احساس خطر برای سرقت آن می‌شود، حرزیت نگاه را قابل قبول می‌داند (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴، ص ۴۹۷). فاضل مقداد نیز ملاک را عرف دانسته و چند مثال عرفی بیان می‌کند که علی‌رغم قفل نبودن و دفن نبودن، عرف آن را حرز محسوب می‌کند.

«مُراح شتران و گوسفندان، یعنی محل نگهداری شبانه آنها در بیابان، البته به شرط بسته بودن شتران و گوسفندان یا به همراه مراعات، اصطبل برای حیوانات، البته باید قفل باشد، کیف و ساک مسافر و قطار شتران، البته با وجود قائد و سائق با یکدیگر و آخرین مورد چوپان در حالی که ایستاده و مراقب است» (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۳۷۸).

آیت الله فاضل لنکرانی با تکیه بر عرف، حرزیت نظارت و رعایت مالک را نمی پذیرد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷: ص ۵۳۵)؛ اما آیت الله مرعشی نجفی به صراحت با اتکا به عرف، حرز ماشیه، شتر و غنم را نظارت و رعایت و اشراف مالک یا راعی می داند (مرعشی نجفی، ۱۳۸۲: ص ۲۲۲). ایشان با استناد به کلامی از شیخ جعفر کاشف الغطا خود را عیال و وام دار عامی در تشخیص موضوع دانسته؛ اگر چه در نهایت فقاقت باشد (مرعشی نجفی، ۱۳۸۲: ص ۲۲۳).

از نظر امام خمینی در تحریر و مشهور فقها حرز، به مکان مقفلی می گویند که لازمه ورود به آن مکان، نقب زدن، بریدن قفل یا شکستن در باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۱۰۵). دلیل مشهور بر عدم حرزیت نگاه، دسته ای از روایات است که سرقت را در شکستن قفل و نقب زدن خانه منحصر کرده است؛ مانند: «لا یقطع إلا من نقب بیتاً أو کسر قفلاً» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۸، ص ۲۷۷)؛ البته مرسله جمیل نیز مستند قول مشهور است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۸، ص ۲۷۸)؛ این در حالی است که از خارج می دانیم شکستنِ مصطلح و لغوی منظور نیست؛ مثلاً اگر شخصی با کلید و بدون شکستن در سرقت کرد یا بدون نقب از خانه ای مثلاً با نردبان از دیوار بالا رود، باز عرف آن را هتک حرز تلقی می کند و موضوع سرقت با وجود سایر شرایط محقق می شود؛ به عبارت دیگر با الغای خصوصیت از شکستن قفل و نقب زدن، حرز و هتک حرز را به موارد مشابه آن توسعه و تعمیم می دهیم (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۱۰۶). روایت «لیس علی السارق قطع حتی یخرج بالسرقة من البیت» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۸، ص ۲۶۳)

مستند قول مشهور است و بیان می‌کند کسی که مالی را از خانه و بیت سرقت کند، دستش قطع می‌شود و باز از خارج می‌دانیم که بیت بما هو بیت خصوصیتی ندارد؛ بلکه با الغای خصوصیت از آن جهت که امام در مقام بیان ضابطه هستند، بیت را به عنوان مصداق بارز بیان می‌کنند و در نتیجه، مغازه یا ماشین یا هر چیزی که خصوصیات بیت را داشته باشد، نیز شامل می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۱۰۶).

در تعریف دیگر، مال محرز مکانی است که بدون اجازه صاحبش ورود به آن مکان جایز نباشد. این معنا را شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه (صدوق، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۱۹۲) و شیخ طوسی در نهاییه (طوسی، ۱۴۰۰: ص ۷۱۴) برگزیده‌اند؛ اما شیخ طوسی در نظری دیگر با توسعه در معنای حرز مصادیق آن را به اماکن عمومی سرایت داده و حراست و نظارت مالک را نیز حرز محسوب کرده است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۴۱۹). آیت الله جواد تبریزی اشکال جدی بر تفریق حکم بین شتران مراعی به بصر و گوسفندان به همراه چوپان با محصولات کشاورزی مراعی به حارس و راعی وارد می‌کند؛ زیرا صحیح‌ه حل‌بی که مستند قطع دست سارق محصولات کشاورزی است، مقتضایش قطع دست سارق شتران و گوسفندان مراعی به بصر نیز هست؛ از آن جهت که ملاک در حرزیت محصول کشاورزی معمولاً به حارس یا راعی است و همین ملاک در شتران و گوسفندان نیز موجود است (تبریزی، ۱۳۷۶: ص ۳۴۳). مقدس اردبیلی نیز شرط تحقق سرقت را دزدی از هر موضعی می‌داند که عرفاً به آن حرز این مال گفته شود؛ البته به شرط قفل بودن آن مکان، البته احتمال استبدال نظر به جای قفل را بیان کرده است (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ج ۱۳، ص ۲۲۳). در جای دیگر ایشان روایت‌های «من کسر قفلاً» و... را تضعیف کرده و انحصار به قفل، غلق و دفن را شکسته و صراحتاً حرز اشیاء را بدون هیچ شرطی، عرفی و نظارت مالک را نیز حرز دانسته است (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ج ۱۳، ص ۲۴۰).

محمد جواد فاضل پس از بررسی روایات حرز، نظر شیخ طوسی را در عرفی بودن حرز پذیرفته است و مصادیق موجود در روایت را مانند غلق، قفل، مکان‌های نیازمند اذن مالک و... با واژه «محبوباً عن الغير» خلاصه می‌کند و تشخیص آن را بر عهده عرف می‌گذارد. به نقل فاضل، روحانی و حتی صاحب جواهر نیز عرفیت حرز را پذیرفته‌اند (جواد فاضل، بی تا: ج ۲، ص ۲۳۵). محمد جواد فاضل در ادامه، شکستن قفل برنامه‌های الکترونیکی و رایانه‌ای، شکستن رمزهای حساب‌های بانکی و سرقت از آنها را با تکیه بر عرف، هتک حرز بر شمرده است؛ زیرا اگر حتی حرزیت به قفل منحصر باشد، قفل منحصر به آهن و چوب و... نیست؛ بلکه این رمزها نیز نوعی قفل است (جواد فاضل، بی تا: ج ۲، ص ۲۳۹).

نتیجه‌گیری

بررسی فقهی نگاه به منزله حرز از منظر اهل سنت و شیعه با تأکید بر آلات نظارتی مانند دوربین مدار بسته هدف پژوهش حاضر بود. بعد از بررسی منابع فقهی - حقوقی اهل سنت و شیعه، یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که ادعای اجماع بر وجود حرز در تحقق موضوع حد سرقت از یک سو، و رد و عدم انحصار روایات حرز در قفل، دفن، نقب و سایر مصادیق روایی از سوی دیگر - این عدم انحصار، خواه با عدم پذیرش مفهوم حصر؛ که با توسعه در معنا و مصادیق حرز و هتک حرز در روایات با الغای خصوصیت متکی بر قرائن خارجی و یا از آن جهت که امام در مقام بیان ضابطه هست، و با تنقیح مناط حاصل شده باشد؛ و خواه این عدم انحصار، با تکیه بر قول مشهور مبنی بر عدم تحدید شرعی حرز حاصل شود - در نتیجه رجوع به عرف برای تحدید حرز و عدم اکتفاء و عدم انحصار به مصادیق روایی، لازم و ضروری می‌شود. پس از بررسی منابع فقهی و حقوقی شیعه و اهل سنت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که لزوم وجود حرز برای تحقق حد سرقت امری اجماعی

است با این حال، در مورد محدوده و مصادیق حرز، اختلاف نظرهایی وجود دارد. روایات فقهی، حرز را به مصادیقی مانند قفل، دفن، نقب و موارد مشابه تعریف کرده‌اند، اما این روایات لزوماً به این مصادیق خاص محدود نمی‌شوند. عدم انحصار این موارد را می‌توان از دو طریق اثبات کرد: نخست، می‌توان با توسعه معنا و مصادیق حرز و هتک حرز و حذف ویژگی‌های خاص این مصادیق، با استناد به قرائن خارجی، به یک تعریف گسترده‌تر دست یافت. دوم، اگر این روایات را به عنوان ارائه یک ضابطه کلی در نظر بگیریم، می‌توان با استفاده از روش تنقیح مناط (یافتن ملاک مشترک) نتیجه گرفت که حرز محدود به این موارد خاص نیست. همچنین، دیدگاه مشهور فقهی بر این اصل تأکید دارد که حرز تعریف شرعی مشخص و محدودی ندارد و در نتیجه، تعیین مصادیق آن نمی‌تواند صرفاً به روایات خاص محدود شود. از این رو، رجوع به عرف در تعیین مفهوم و مصادیق حرز امری ضروری است، زیرا عرف می‌تواند ملاک قابل اعتمادی برای تشخیص اینکه چه اموالی تحت حفاظت محسوب می‌شوند، ارائه دهد. و عرف با توسعه در معنا، شکستن قفل برنامه‌های الکترونیکی و رایانه‌ای و هک کردن حساب‌های بانکی را هتک حرز می‌داند. با استناد مجدد به عرف، کالای محرز به نظر یا دوربین مداربسته با الغای خصوصیت در نظر یا توسعه در معنا و مصادیق نظر، از آن جهت که مال خود را در معرض تلف و ضایع شدن قرار نداده است، حرز عرفی را رعایت کرده است؛ به عبارت دیگر مردم این چنین اموال خود را حفظ کرده و در حرز قرار می‌دهند.

از سوی دیگر شرط عرفی و عقلایی انتفاع یا فروش بعضی از اجناس خصوصاً در بازارها و فروشگاه‌های کنونی مانند فروشگاه‌های زنجیره‌ای، محرز کردن اشیاء با نظر خصوصاً با نظارت توسط دوربین‌های مداربسته است؛ بنابراین با تمام بودن سایر شرایط، در صورت محرز بودن کالایی توسط دوربین مداربسته، اگر سرقتی رخ دهد، موضوع حد سرقت محقق شده و اجرا خواهد شد.

محدودیت‌ها (زمانی، مکانی، منابع و...)

لازمه یک تحقیق جامع و صحیح، رجوع به منابع اصیل و دست‌اول است؛ ولی در پژوهش حاضر به دلیل صعوبت و عدم دسترسی به منابع دست‌اول اهل سنت، ناچار از منابع الکترونیکی مانند مکتبه‌الشمائله استفاده شده است و از سوی دیگر به دلیل سقف محدودیت کلمات در مقاله‌های علمی، بحث‌ها به طور اجمالی مطرح شده‌اند که نیاز به بحث‌های عمیق‌تر، دقیق‌تر و باگستره بیشتر دارد.

پیشنهادهات

با توجه به نتیجه حاصل از پژوهش حاضر و محدودیت‌های ناشی از ساختار شکلی و محتوایی و محدودیت تعداد کلمات در مقاله‌نویسی، پیشنهاد می‌شود جهت اتقان نتیجه و تأثیر آن در اصلاح و بازنگری تعریف حرز قانونی در «ماده ۲۶۹ ق.م.ا.» و به تبع آن تغییر در موضوع سرقت حدی و شرایط آن، تحقیق جامع و کامل‌تری در قالب رساله انجام شود.

منابع

ابن‌ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

ابن‌فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷)، مهذب البارع فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴) لسان العرب، بیروت، دار صادر.

ابن‌براج، عبدالعزیز بن نحیر (۱۴۰۶)، المهذب، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

- ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد (۱۴۱۶)، مجموعه فتاوی ابن الجنید، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- ابن زهره، حمزة بن علی (۱۴۱۷)، غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع، قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع).
- ابن عسکر البغدادي، عبد الرحمن بن محمد، (بيتا) إرشاد السالك إلى أشرف المسالك في فقه الإمام مالك، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
- أبو الخطاب الكلوزاني، محفوظ بن أحمد (۱۴۲۵)، الهداية على مذهب الإمام أبي عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني، كويت: مؤسسة غراس للنشر والتوزيع.
- ايزدي فرد، علی اکبر؛ حسين نژاد، سيد مجتبی (۱۳۹۵)، «حرز بودن نظارت مالک در تحقق مفهوم سرقت»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش ۲، ص ۱۷۷-۱۸۷.
- بلخی، نظام الدین (۱۳۱۰)، الفتاوی العالمگیری المعروفة بالفتاوی الهندية، مصر: المطبعة الكبرى الأميرية.
- بستاني، فؤاد افرام (۱۳۷۵ش)، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران: نشر اسلامی.
- البلقيني الشافعي، سراج الدين (۱۴۳۳)، التدريب في الفقه الشافعي المسمى بتدريب المبتدي وتهذيب المنتهي، رياض: دارالقبلتين.
- بيهقي، احمد بن حسين (۱۴۲۴)، السنن الكبرى (البيهقي)، بيروت: دار الكتب العلمية.
- تبریزی، جواد (۱۳۷۶ش)، أسس الحدود والتعزيرات، قم: بی نا.
- چوپانی مرسى، حبيب اله؛ ايزدي فرد، علی اکبر؛ محسنی دهکلانی، محمد (۱۳۹۶)، «تأمل فقهی در حرزیت مکان های مجهز به دوربین مدار بسته»، پژوهش نامه حقوق اسلامی، ش ۲، ص ۲۷-۴۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، إيضاح الفوائد في شرح إشكالات القواعد، قم: اسماعيليان.
- خمينی، روح الله (۱۳۹۲ش)، تحرير الوسيلة، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسين بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بيروت: دار الشامية.
- روحانی، محمد صادق (۱۴۳۵)، فقه الصادق، قم: آيين دانش.
- شرتونی، سعيد (۱۴۱۶)، أقرب الموارد في فصح العربية والشوارد، تهران: دار الأسوة.

شمس الائمه سرخسی، محمد بن احمد (بی تا)، المبسوط، مصر: مطبعة السعادة - بیروت: دار المعرفة. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳ش)، من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (بی تا)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی. طباطبائی، کربلایی علی بن محمد علی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.

طریحی، فخرالدین (۱۴۰۷)، مجمع البحرين، محقق: احمد حسینی اشکوری، قم: مؤسسه نشر اسلامی. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط في فقه الإمامية، محقق: محمد باقر بهبودی، تهران: مكتبة المرتضوية.

_____ (۱۴۰۰ق)، النهاية في مجرد الفقه والفتوى، بیروت: دار الكتاب العربی.

_____ (۱۴۰۷)، الخلاف، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، محقق: جعفر سبحانی تبریزی، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).

فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله (۱۴۰۴)، التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.

فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۷)، تفصيل الشريعة (الحدود)، قم: مركز فقه الأئمة الأطهار (ع).

_____ (۱۳۹۰ش)، آيين كيفرى اسلام، قم: مركز فقهی ائمه اطهار (ع).

فاضل لنکرانی، محمد جواد (بی تا)، موسوعة ردّ الشبهات الفقهية المعاصرة (الحدود)، قم: مركز فقهی ائمه اطهار (ع).

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۹۵)، مفاتيح الشرائع، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

قمی، علی بن محمد (۱۳۷۹ش)، جامع الخلاف والوفاق بين الإمامية وبين أئمة الحجاز والعراق، محقق: حسنی بیرجندی، قم: زمينه سازان ظهور امام عصر (عج).

گلپایگانی، محمدرضا (۱۳۷۲)، الدر المنضود في أحكام الحدود، قم: دار القرآن الکریم.

مالکی، شهاب الدین (بی تا)، إرشاد السَّالِكِ إلى أشرف المسالك في فقه الإمام مالِك، مقرر: ابراهيم بن حسن، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، قم: اسماعيليان.
محمد بن قدامه، ابو محمد (۱۳۸۸ق)، المغني لابن قدامة، تحقيق: طه الزيني، محمود عبدالوهاب فايد، مصر: مكتبة القاهرة.

مرعشي نجفی، شهاب الدین (۱۳۸۲)، أحكام السرقة على ضوء القرآن والسنة، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی.

لويس، معلوف (۲۰۰۰م)، المنجد في اللغة العربية المعاصرة، بيروت: دار المشرق.
مقدس اردبيلي، احمد بن محمد (بی تا)، مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامي طبقا لمذهب اهل البيت (ع) (۱۴۲۴ق)، المعجم الفقهي لكتب الشيخ الطوسي، محقق: هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت (ع).

موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۲۷)، فقه الحدود والتعزيرات، قم: جامعة المفيد.
مرتضوی، سيد عبدالهادی (۱۳۹۹)، درس خارج فقه؛ محدوده حرز، مراد از حرز، حد سرقه، جلسه ۷۵،
۱۳۹۹/۱۰/۲۲

https://eshia.ir/feqh/archive/text/mortazavi_abdulahadi/feqh/99/991022/

واسطی زبیدی، محب الدین (۱۳۹۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالهدایه